

هدیه دانش‌بنیانی‌ها در آستانه روز جانباز

ماجرای این قرار است که سال ۱۳۹۵ یکی از جانبازان عزیز کشورمان به سراغ یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان رفت و آنجا از سنگین بودن صندلی چرخ‌دارش و مشکلاتی که برای حمل‌ونقل داشت، گلایه کرد. او از فناوران این شرکت دانش‌بنیان خواست تا برای حل مشکلات اوو جمع زیادی از هم‌نوعانش به فکر راه و چاره باشند. دانشمندان این شرکت دانش‌بنیان در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران دور هم جمع شدند و طرح و ایده دادند و سرانجام پس از گذشت شش‌سال در آستانه روز جانباز عیدی خوبی دادند. آن‌ها صندلی چرخ‌دار را با استفاده از کامپوزیت الیاف کربن، آن‌هم در داخل کشور خودمان، تولید می‌کنند که همه مشکلات جانبازان عزیزمان را حل کرده است. یکی از اعضای شرکت دانش‌بنیان گفته است: «صندلی چرخ‌داری که تولید شده، سبک

است و خود فرد می‌تواند به تنهایی آن را داخل خودرو بگذارد و نیاز به کمک هیچ فرد دیگری هم ندارد. یکی دیگر از ویژگی‌های این صندلی چرخ‌دار روان بودن چرخ‌های آن است که به راحتی قابل حرکت است.» خوب است بدانید فرایند ساخت صندلی چرخ‌دار به این صورت است که با برش کربنی که به‌ر‌زین آغشته شده است، شروع می‌شود، سپس در قالب‌ها چیده می‌شود و پس از عملیات پختی که روی قالب‌ها انجام و قطعه کامپوزیتی تولید می‌شود و پس از سرهم شدن اجزا و تولید شاسی، مراحل سطح‌ورنگ‌برای مونتاژ نهایی آماده می‌شود.

این ویلچر‌ها با یک سوم هزینه نسبت به نمونه خارجی در کشور تولید و بومی‌سازی شدند. رفع نیازهای داخل کشور و صادرات در بازارهای جهانی یکی از اهداف این شرکت دانش‌بنیان است.

روایت شهرآرا از موفقیت کسانی که زندگی در روستا را به شهر ترجیح دادند

ریشه در خاک روستا

گروه جامعه

گزارش روز

طعم‌راق دارد اما خیلی چیزها ندارد، مثل هوای پاک، سکوت، آرامش، طبیعت و مردمی که آرایش زندگی‌های امروزی را به خودنگرفته‌اند. شاید زندگی در شهرها هنوز هم برای عده‌ای جذابیت و کلاس داشته باشد، اما موج بازگشت به روستاها در نبود آمارهای به‌روز، آن‌قدر فراوانی دارد که وقتی می‌شنویم کسی به امکانات و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی در شهر پشت‌پازده و روستای اجدادی‌اش را برای زندگی انتخاب کرده است، تعجب نکنیم. از میان نمونه‌های بسیاری که برای مهاجرت معکوس به روستا فهرست کرده‌ایم، سراغ دونفری می‌رویم که زمانی همشهری‌مان بودند و هریک به دلایلی که بر ایمان شرح می‌دهند، عطای زندگی در کلان‌شهر را به لقایش بخشیدند و به جایی برگشتند که به آن تعلق داشتند. آن‌ها از موفقیت‌هایی برایمان می‌گویند که بعید بود با ماندن در شهر به آن دست پیدا کنند.

آرامشی که به دنبالش بودم



پدری ام این افراد انگشت‌شمارند، او می‌گوید برای بازگشت به روستا، حساب آینده کاری‌اش را هم کرده و دیده است که بازار کارش در مشهد با اینجا تفاوت خاصی ندارد.

تصمیم مهدی برای بازگشت به روستا با استقبال خانواده‌اش همراه شد. بنابراین به روستای آبا و اجدادی‌اش برگشت و همان‌جا هم ازدواج کرد. او همچنان با رضایت از تصمیمش برای ترک شهر و بازگشت به روستایاد می‌کند و می‌گوید: «حتی یک لحظه هم حس فراق و دل‌تنگی به سراغم نیامده است. من که زندگی در هر دو محیط کلان‌شهری و روستا را تجربه کرده‌ام، می‌گویم که روستا خیلی بهتر است.» آقای سپهری به‌هرکس که از او مشورت را عوض کرد، «تا سوم راهنمایی درس خواندم و به سراغ ساخت وسایل شهربازی مثل تاب و سرسره و الاکلنگ، دروپنجره‌سازی و سازه‌های آهنی رفتم. همه تجربه‌ام از روستای پدری، یک سفر به لائین در هفت سالگی ام بود و خلاص! آن‌خاطره هم آن‌قدر دور و مهمم بود که در ذهنم وجود نداشت. بیست‌ساله بودم که برای یک

درست ۴۸ سال پیش، زمانی که هنوز مهدی به دنیا نیامده بود، پدر و مادرش به علت اختلاف‌های فامیلی با روبرندیلشان را بستند و از روستای لائین کلات به مشهد آمدند.

پس از سه‌سال زندگی خانواده سپهری در مشهد، مهدی به دنیا آمد و سال‌های زندگی‌اش را یکی پس از دیگری سپری کرد. با این حال، تولد و بزرگ‌شدن در کلان‌شهری که در آن‌رگ‌وریشه‌ای نداشت، باعث نشد که به زندگی در شهری شلوغ علاقه مند شود یا عادت کند. نه‌اینکه لائین را دیده باشد و وضعیت آنجا را با مشهد مقایسه کرده باشد. شلوغی‌های شهر انگار حسی پنهان شده در وجودش بود که با یک اتفاق، روال زندگی‌اش را عوض کرد. «تا سوم راهنمایی درس خواندم و به سراغ ساخت وسایل شهربازی مثل تاب و سرسره و الاکلنگ، دروپنجره‌سازی و سازه‌های آهنی رفتم. همه تجربه‌ام از روستای پدری، یک سفر به لائین در هفت سالگی ام بود و خلاص! آن‌خاطره هم آن‌قدر دور و مهمم بود که در ذهنم وجود نداشت. بیست‌ساله بودم که برای یک

پروژه به لائین سفر کردم. قرار بود به عنوان استاد به کسی کار یاد بدهم، هفده روز طول کشید و در همین مدت فهمیدم که می‌خواهم برای همیشه همین‌جا بمانم.»

بهارتاز همه جا وقتی از اومی پرسیم از چه چیز لائین خوشتان آمده است، فوری می‌گوید: «همه چیزش! نمونه‌می‌خواهیم و پاسخ می‌شنویم؛ مثلاً از آب و هوایش و اینکه خبری از ترافیک و دود و این‌طور چیزها نیست. من از شلوغی شهر و دود و دوش بیزار شده بودم. از آسیب‌های اجتماعی که در شهرهای بزرگ زیاد می‌بینی، مثلاً همین معتادها، یا کسانی که برای گدایی جلوت را می‌گیرند. نمی‌شود گفت که دیدن این چیزها روی حس و حال آدم اثر بد نمی‌گذارد. در روستای



گمنامی در شهر، اعتبار در روستا



بود. « سال ۱۳۹۷ متوجه نیاز به آزمایشگاه هیدرواستاتیک برای آزمایش مخازن سی‌ان‌جی شدم و مجوزهایش را گرفتم و این آزمایشگاه را هم راه‌اندازی کردم. اینجا علاوه بر اینکه خودم مشغول به‌کار شدم، برای پنج نفر دیگر هم اشتغال ایجاد کردم.» از آرامش خود، همسر و بچه‌هایش پس از بازگشت به روستا می‌گوید و حس خوب زندگی در کنار خانواده و فامیل، همین‌طور نفس‌کشیدن در جوار اهالی روستایی که با آن‌ها بزرگ شده بود و برایش حکم خواهر و برادر را دارند. فکر کردن در این آرامش با چاشنی سکوت حاکم بر روستا، کار خودش را کرد. روستا زاده‌ای که در هیاهوی کلان‌شهر و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی در آن، فرصتی برای بروز استعدادهایش نداشت، با تصمیم‌های بعدی خود به کارآفرینی تمام‌عیار تبدیل شد. «به این فکر افتادم که کار فروش و نصب شیشه‌های ساختمانی و درهای برقی وریلی را انجام بدهم. فروشگاه و راه‌اندازی کردم و اکنون یک نفر در آن مشغول به‌کار است. سال ۱۳۹۹ متوجه نیاز مردم به وجود فروشگاه زنجیره‌ای شدم تا به راحتی مایحتاجشان را تأمین کنند. این کار را هم انجام دادم که چهار نفر نیروی کار ثابت دارد.»

استقلال با عزت نیازمندان

مشارکت در توزیع سبدهای غذایی برای روستاییان نیازمند، او را به این نتیجه رساند که باید برای بانوان روستایی بی‌سرپرست و بدسرپرست کاری بکند، کاری که خودشان مستقل شوند و با عزت هزینه‌هایشان را تأمین کنند و چشم‌انتظار رسیدن سبدهای غذایی نباشند. برای این هدف، چه‌کاری بهتر از هنر بومی فرت بافی که هر چه می‌گذرد، محصول‌اتش طرف‌داران بیشتری پیدا می‌کند.

با پیگیری‌های آقای زاهدی که مسئولیت دهیاری روستا در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ را در کارنامه دارد، پانزده نفر به‌کار تولید پارچه‌های دست‌بافت مشغول شده‌اند. پنج نفر در ساخت دستگاه و تجهیزات مورد نیاز پارچه‌بافی سنتی و دو نفر در آماده‌سازی مواد اولیه مشغول به‌کار شده‌اند.

او بانی بازگشت افراد زیادی به روستا شده که هیچ وقت فرصت فکر کردن به تعدادشان را نداشته است، همین‌طور بازگرداندن عده‌ای از هم‌ولایتی‌هایش که برای کارگری به تهران رفته بودند و در گام نخست مجاب شده‌اند که در شهرهای حومه روستای پدری‌شان سکونت کنند.

مسعود فکری‌های زیادی برای گسترش کسب و کار به نفع اهالی روستای علی‌آباد دامن دارد. فروشی اینترنتی دست‌بافته‌های بانوان هنرمند روستا و ایجاد شرکت تعاونی، تعدادی از ایده‌های او است که عزمش را برای اجرایشان پیش از این نشان داده است.

و برگشت به آرامش روستا.» بازگشت او به روستا پس از هفت سال زندگی در مشهد، آن‌قدرها هم ساده نبود. بهایش یک سال و نیم بیکاری بود که بیمه فقط بخشی از این بازه را آن‌هم با حقوقی حداقلی جبران می‌کرد. او پس از خدمت سربازی که به دلیل تأهل و داشتن فرزند زود تمام شد و نیز پایان واحدهای دانشگاه، چند ماه فقط به یک سؤال فکر کرد، اینکه چه شغلی را انتخاب کنم که هم برای خودم خوب باشد و هم برای مردم منطقه.

وقتی دیدم مردم رشت‌خوار برای یک معاینه‌فنی ساده خودرو باید مسافتی پنجاه کیلومتری را تا شهرستان‌های هم‌جوار طی کنند، تصمیمش را گرفتم و با فروختن خودرو زیر پایش و پول رهن خانه‌اش در مشهد، مرکز معاينه فنی خودروهای سبک را در همان رشت‌خوار راه‌انداخت. این کار برای اوقفت یک شروع

چشم‌تان روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می‌کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی‌ها، آدمیزاد به امید زنده‌است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل‌ها هم فراوان‌اند. می‌گویید نه؟ کافی است هر روز به «چشم‌تان روشن»، سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده‌ایم، نگاهی بیندازید. کوچک یا بزرگ، فرقی نمی‌کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، بامادر میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را با هم‌شهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی‌مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۶ پیامک بدهید تا در کوتاه‌ترین زمان با شما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوش‌تان روشن کنیم.

یادداشت

پیشنهاد رویدادی جدید در منظومه فرهنگی کشور



همه ماه شعبان راه صلوات و مناجات شعبانیه و مولودهای مبارکش می‌شناسیم. امام حسین^(ع) و حضرت ابوالفضل^(ع) و حضرت سجاده^(ع) و امام مهدی^(عج) در این ماه متولد شدند و ماه شادی اهل بیت و ماه خاصی است که پیامبر اکرم^(ص) آن راه خود نسبت داده است، چنان که فرمود: «رجب شهر... و شعبان شهری و رمضان شهر امتی.» در منظومه فرهنگی کشور نیز تاکنون به همت مردم، جشن‌های محلی و خانگی در این ماه برپا می‌شده است، اما همه اذعان دارند که در شأن مولودهای این ماه نیست. از سوی دیگر، به علت جدا افتادگی روزه‌ای میلاد در ابتدا و وسط ماه شعبان هیچ‌گاه پیوستگی و انسجام وجود نداشته است که بتواند برپایی موکب یا جشن‌های ادامه‌دار را دارای توجیه مالی برای خیران و موکب‌داران کند. مدتی است که در شهر مقدس قم و با راهپیمایی و شادپیمایی برای استقبال از نیمه شعبان، اقداماتی صورت می‌پذیرد. اما هنوز وجهه یک رویداد فرهنگی گسترش یافته در زمان و یک‌دهه سور و سرور ائمه^(ع) را در جغرافیای ملی نیافته است. این درحالی است که در بین سوم شعبان و پانزدهم شعبان که شروع و پایان این ولادت‌هاست، در عمل یک دهه (از چهارم تا چهاردهم) قرار گرفته است که راه‌اندازی یک جریان قوی و دارای انسجام دینی و فرهنگی را ممکن می‌سازد.

اهمیت این دهه در اتصال گذشته و آینده تشیع (ظهور و تمدن اسلامی) در یک خط سیر و پاسداشت قیام دو امام قائم و کنجینه معرفتی سه امام بحق است که در سلسله‌الذهب (زنجیره طلایی امامان) قرار گرفته‌اند. بی‌شک جریان مردمی و فرهنگی از ذخیره الهی که در این ماه گنجانده شده است، باید بهترین استفاده را ببرد و در توسعه معارف حقه به جدیت بهره‌برد. بر این اساس پیشنهاد مشخصی که به فعالان مذهبی، هیئتی و عموم علاقه‌مندان به ائمه اطهار^(ع) ارائه می‌شود، این است که از فرصت شادی اهل بیت^(ع) برای انسجام اجتماعی و گسترش شور و امیدواری بهره‌برند تا از این سبتر بتوان برای ترویج معارف و توسعه حق‌مبعری جدید گشود. همچنین در مسیر این جریان فرهنگی باید از نوجوانان به عنوان نسل آینده و نورسیده بهترین نقش‌آفرینی را انتظار داشت و به آنان کارسپاری کرد.

به برکت انقلاب اسلامی و خون هزاران شهیدی که درخت تنومند جمهوری اسلامی را استوار ساخته است، باید در درون جامعه از طریق مجرا سازی و مرجع سازی به دنبال توسعه مخاطب و تعمیق ارتباط باشیم. مجرا سازی یعنی از هر فرصت و از هر ظرفیت برای کانال زدن به مخاطبان در کف جامعه بهره‌بریم و مرجع سازی یعنی الگوهای ارزشی و ایمانی را برای نسل جدید معرفی کنیم و به اتصال اجتماعی آنان کمک کنیم تا در پرتو نور حق و حقیقت، دل‌ها نورانی و همدلی و وفای اجتماعی محقق شود.

پیشنهادهای اسمی و عنوانی برای این دهه وجود دارد، اما در این سطور و نوشتار دنبال آن نیستیم و بیشتر، صحبت از این دغدغه را مهم می‌دانم و به یاری طلبیدن و استمداد فکری از استادان و بزرگان را برای نشو و نمای این ایده که توسط افراد و مجموعه‌ها تاکنون بیان شده اما عملیاتی نگشته، ضروری می‌بینم. در خط مقدم این نظرخواهی باید اندیشمندان، علما، مداحان، جبهه فرهنگی و فعالان قرار بگیرند و چه خوب است که رسانه‌ها ضمن طرح و بحث به گفت‌وگو ساز و تقویت این جریان کمک کنند.

افکار ت را به اشتراک بگذار

تا آینده را ترسیم کنیم

راه‌های ارتباطی
۰۳۰۰۷۲۸۹
۰۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱

